صفحات ۱۲۳ - ۱۲۹
نشریه هنرهای زیبا • شماره ۳۶ • زمستان ۱۳۸۷

مقدمه‌ای برگونه شناسی انواع موسیقی در لرستان

شهرام منظمی*

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۳/۱۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۷/۶)

چکیده:

آثار وبناهای به جا مانده از روزگاران کهن، یادبودهای نسل توانمندی است که به هنگام حک کردن نقشی بر سنگی و یا تراشیدن پیکره وعلم نمودن بنایی و یا ساختن وسیله ای موسیقایی و صدادار، رمز و رازی را بر ما آشکار می نماید.در اغلب جنگ های ایران ،کلیه منابع موسیقی اعم از خط و مفتاح آن که توسط اساتید فن در کتب مختلفه مکتوب شده بود به کلی سوخت و از میان رفت وجنبه علمی بودن خود را از دست داد، بخصوص که پیرایه حرمت نیز بدان بسته شد و در دوره صفویه شدت یافت و طبقه ممتاز، خواه و ناخواه از آن دوری جستند. موسیقی علمی نیز جای خود را به نحوی پسندیده در تعزیه و روضه خوانی باز کرد وبه وسیله هنرمندان و هنرپروران با ذوق، سینه به سینه به دست ما و خط معمول موسیقی دنیا رسید و همین خط مانع محو موسیقی شد. فی الواقع موسیقی محلی و آوازهای مناطق که در قالب مقام ارایه می گردد همواره عنصر اولیهء آشنایی بیشتر و کامل تر با موسیقی سنتی می باشد. در سال های اخیر تعداد علاقه مندان به موسیقی محلی بیشتر از گذشته افزایش یافته است. امروزه عده کثیری از دانشجویان اصالت را در ارزش ها و معیارهای بومی و منطقه ای می بینند و سعی بر آن دارند که آن را دوباره بازسازی و احیاء نمایند. مقاله حاضر بر آنست باشناخت یکی از انواع موسیقی های محلی ایران زمین علاقه مندان به این موضوع را به واکاوی هر چه بیشتر اصالت گوشه های ردیفی وادار نماید.

واژه های کلیدی:

موسیقی محلی (فولک)، مقام، رامشگران، کولی (لوطی)، لرولک، تال.

* تلفن: ۶۶۴۱۲۹۲۰-۰۲۱، نمابر: ۶۶۴۶۱۵۰۴-۰۲۱، E-mail: sh_monazami@yahoo.com.

مقدمه

وقتی که کوهساران سخت و پابرجای زاگرس را در هم می‌نوردی و چشمان عاشقت مردان و زنان پرصلابت را در کنار بلوطهای افراشته می بیند پی به سخن های ناگفته، چهره های نادیده و آواهای ناشنیده خواهی برد.

آواها و نواهایی که طنین پرشکوهشان در لحظه لحظه زندگی یاری دهنده تن های خسته است. از تولد تا سور و از سور تا سوگ در فراق و وصال بهترین های ایل و تبار، زیباترین واژه ها را سروده اند و یا در هنگام کار و تلاش در مشک زنی، درو، خرمن‌کوبی، شیردوشی و حتی به گاه خواب و آرامیدن، نغمه های زیبای شبانه را فراموش نکرده اند.

هنوز رویای در کنار هم بودن در سورنای عروسی ها می دمد، هنوز شیون انسان ها و سازها در مقام موسیقی شیون پرده دل ها را فرو می ریزد. هنوز زخمه های تنبور نوازان آن عارفان حقیقت طلب در سکوت شب هنگام دشت های نورآباد و سلسله و دلفان آدمی رابه جهان دیگر می رساند.

هنوز بر دامنه قلل [یافته کوه] دنیایی از شعر و خاطرهء ایام دور بر سیم های کمانچه لری جان می گیرد، هنوز دریای احساس انسان های بی شماری تشنه دریای وجود بی ریای هنرمندان این دیار است. هنرمندانی که چون شمع سوختند تا میراث فرهنگی یک قوم را در ورطه قرون و اعصار پاس بدارند.

پیشینه تاریخی منطقه

لرستان امروز بخش مهمی از سرزمین کهنسال [کاسیت] بوده که با توجه به آثار مکشوفه از دل خاک این منطقه، شهرت و اعتبار جهانی را با خود تا کنون به همراه داشته است.

مفرغ های آفریده شده توسط مردمان این سرزمین نشانگر عظمت فرهنگی و هنری آنان در جهان باستان است. همچنین قوم [کاسیت] در تربیت و پرورش اسب و تجارت آن در میان ملل آن روزگار بی همتا بوده، وجود راه های باستانی در سرزمین [کاسیت‌ها] آنها را با سایر فرهنگ ها و تمدن های دنیای باستانی آشنا ساخته است.

مفرغ ها و سفالینه های بدست آمده از آن دوران بخش مهمی از هویت فرهنگی این قوم را در زمینه هنری بالاخص موسیقی بیان می کند(تصویر ۱).

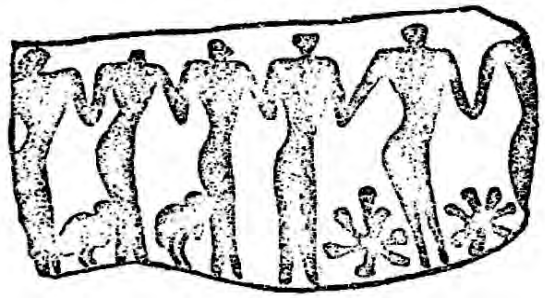

تصویر ۱- تصویر قطعه سفالی از هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح.
ماخذ: (امان الهی بهاروند، ۱۳۷۰)

طبق اسناد موجود آنچه مسلم بوده این است که این قوم کهنسال در کنار هنرهایی همچون ساخت مفرغ ، نقاشی های نخستین دیواره غارها و سفالینه ها علاقه ای وافر به حرکات موزون نمایشی و موسیقی داشته است.

گروهی ازدانشمندان علوم اجتماعی معتقدندکه اجتماع همین جنبش ها و جست و خیز های انفرادی ناشی از غرایز فطری به پایکوبی و دست افشانی های موزون انسان ها به صورت دسته جمعی و فریادهای ناشی از نشاط، تبدیل به آواز و سرود شده است[۱] (ذکاء، ۱۳۴۲، ۴۲- ۵۰).

به شکرانه جمع آوری محصول و تهیه مواد غذایی یا به چنگ آوردن شکار آنچنان وجد و سروری به افراد قبیله دست می داد که همگی بی اختیار به جست و خیز برخاسته دست به دست یکدیگر داده دایره وار به دور آنچه که به دست آورده بودند به پایکوبی می‌پرداختند. و در همین جست و خیزها و پایکوبی های همگانی بود که از یکنواختی حرکات آنان ضرب و وزن و ریتم بوجود آمده است، ضرب و وزن ابتدا با چپه زدن(کف زدن) و نواختن دست ها به بدن و ران ها و کوبیدن دو چوب به یکدیگر و بالاخره با زدن کنده‌های توخالی بر طبل ساخته شده و سپس توالی و توازن حرکات به وجود آمده است. حرکات موزون در میان ملل قدیم و جدید، معانی و صور مختلفی از: آیینی، جنگی، مذهبی، تفریحی و ... را به خود گرفته و کم و بیش در میان تمام اقوام جهان مراحل مزبور را طی کرده است.

موسیقی در دوران [کاسی]ها

قطعه سفالی که از [کاسو]ها یا [کاسی]ها در هزاره سوم پیش از میلاد در کوهستان های زاگرس در شمال ایلام بدست آمده است سه انسان را در حال رقص در نزدیکی چادرها یا کلبه هایی نشان داده است (تصویر ۲).

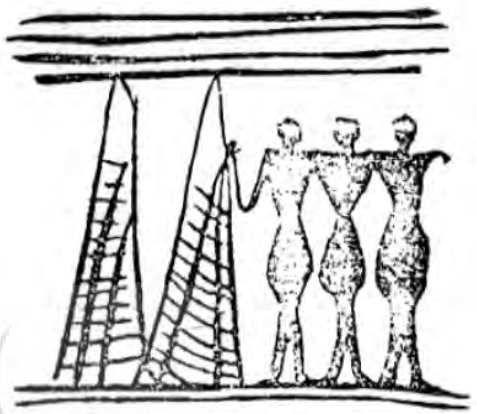

تصویر ۲- تصویری از قطعه سفال سه انسان در حال رقص.
ماخذ: (امان الهی بهاروند، ۱۳۷۰)

این سفال حالت و نوع دیگری از رقص راکه در آن اجرا کنندگان هر کدام بازوان را پشت گردن یکدیگر گذارنیده و دست ها را بر روی شانه های نفرات طرفین خود نهاده اند نشان می دهد.

در لرستان از هزاره یکم پیش از میلاد سر پرچم مفرغی مشبکی بدست آمده که جزو مجموعه پرفسور زاره در موزه لوور محفوظ است. در داخل دایره این سرپرچم، رقص دست به دست چهار نفر با ترکیب بندی بدیع و ماهرانه ای نشان داده شده است. باز در پایه همان سرپرچم که محل گذرانیدن نیزه یا چوب پرچم بوده مجسمه دو انسان از پهلو در حال رقص دست به دست هم نشان داده می شود(تصویر ۳).

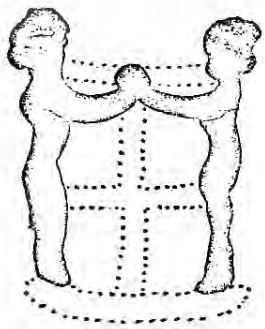

تصویر ۳- پایه سر پرچم مفرغی لرستان.
ماخذ: (امان الهی بهاروند، ۱۳۷۰)

خوشبختانه از این نمونه حرکات پاها و دست ها بخوبی می‌توان استنباط نمود که اجرا کنندگان رقص یکی از پاها را از زمین بلند و در پشت سر از زانو خم کرده و در جای دیگر می‌گذاشتندو سپس با پای دیگر همین عمل را تکرار می کردند تا کم کم حلقه رقص به دور خود چرخیده و جای رقصندگان عوض شده است.

انسان های روزگاران کهن همانطورکه خودشان درروی زمینه می رقصیدند معتقد بودند که رقص اصولاً از اعمال خدایان است که بشر به تقلید آنها، همان اعمال و حرکات را بر روی زمین تکرار می نماید و این عقیده را یک تکه سرپرچم برنزی دیگر که آن هم در لرستان از سده هفتم پیش ازمیلاد جزو مجموعه آقای ج.ل.وینتروپ است به اثبات می رساند.

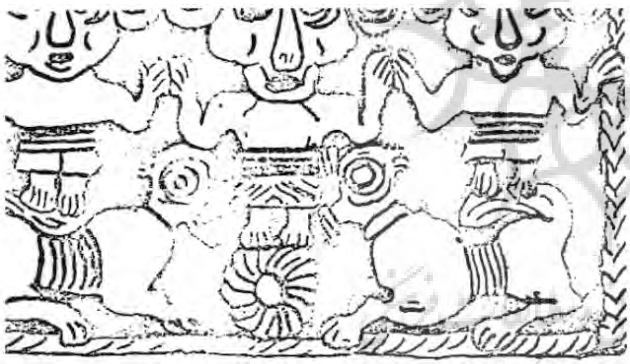

تصویر ۴- سرپرچم برنزی که در لرستان به دست آمده است.
ماخذ: (امان الهی بهاروند، ۱۳۷۰)

در این سرپرچم برنزی مشبک پیکره سه رب النوع شاخدار نشان داده شده که رب النوع وسط از نظر مقام نسبت به دوتای دیگر در درجه والاتری قرار دارد و پا بر روی کره خورشید گذاشته است. دوتای دیگر نیز پا بر پشت دو شیر غران نهاده اند و دست دردست هم مشغول رقص می باشند. صاحبان این سرپرچم گویا به این طریق خواسته اند چرخش و حرکت خورشید را در آسمان از شرق به غرب بصورت یک رقص موزون بیان کرده و نمایش بدهند.

این نقش نیز از نظر بیان، جنبه مذهبی و حرکات موزون نمایشی را در میان اقوام ایران کهن نشان می دهد(تصویر ۴).

نویسنده کتاب هنگامه تاریخ، معتقد است قوم کاسیت بر اثر شکستی که از همسایگان خود در جنگ های منطقه ای می خورد تا سال ها موسیقی غم انگیز می نوازد[۲] (بهمنی، ۱۳۵۷، ۱۴).

موسیقی در دوره ساسانیان

دوره جاودانی و اعتلای موسیقی ایرانی در دوره ساسانیان بر کسی پوشیده نیست. محقق شهیر آرتور کریستین سن در کتاب [ایران در زمان ساسانیان] منزلت و جایگاه رامشگران و خنیا گران را در دربار ساسانیان بیان نموده است و از آلات موسیقی همچون عود، نای مزمار، چنگ، زنگ، شیپور و تنبور نام می برد.

علاوه بر اسناد و مدارکی که در زمینه موسیقی عهد ساسانی ارائه شده است، سند معتبری از حمزه اسپهانی در دست می باشد. وی در کتاب [سنی ملوک الارض و الانبیاء] که در حدود ۳۵۰ هجری تالیف شده در زمینه موسیقی چنین گفته است:

[بهرام روزی بر عده ای که بدون نوازنده مشغول طعام بودند گذشت و گفت آیا به شما نگفته ام که بدون خنیاگر چیزی نخورید؟ آنها برخاسته و بر او نماز بردند و گفتند ما حاضر بودیم بیشتر از صد درهم برای اینکار بپردازیم ولی نیافتیم پس دوات و مهرق خواست و به پادشاه هند نوشت که عده ای نوازنده برای او بفرستد و شنگل دوازده هزار خنیاگر نزد بهرام فرستاد و او آنها را در شهرهای کشور خود متفرق ساخت و آنها در آنجا زاد و ولد کردند و فرزندان ایشان اگرچه اندکند ولی هنوز باقی اند و ...] (اسپهانی (حمزه) سنی ملوک الارض و الانبیاء- ۳۵۰ هجری قمری)[۳].

موسیقیدانان ساسانی در لرستان

سند موردنظر مربوط به حضور رامشگران خسرو پرویز در جلگه رومشکان لرستان است که با توجه به حضور تمدن و معماری ساسانی در منطقه و ارتباط تنگاتنگ و نزدیک مردم حاشیه رودخانه صمیره با پایتخت شاهان ساسانی بعید به نظر نرسیده که در گذشته رامشگران ساسانی در رومشگان حضور داشته اند جلگه رومشکان RUMESHKAN محوطه ای است مابین طرهان و صمیره[۴].

مقداری آب در محل قاطرچی که از قنات جاریست، باقی جلگه کم آب است، پنج فرسخ طول و یک فرسخ عرض آن است. طایفه ای بخصوص در آنجا اسکان ندارد.

در وسط جلگه تپه ای است بنام چغاسبز که ده متر ارتفاع دارد. بالای آن تپه می گویند محل اسکان رامشگران خسرو پرویز بوده، جای بسیار خوشی است. هوای خوب و سالمی دارد کوه مهله MAHLEH از یک طرف و در سمت جنوبی آن صمیره واقع است.

در زمانی که شهری در صمیره بوده به جهت نزدیکی از صمیره رامشگران از وسط کوه راهی درست کرده اند به صورت مارپیچ از سنگ و گچ، فراز و نشیب کوه را اینگونه سنگ چین نموده اند. اکنون در بعضی از جاها اثر آن پیداست. سه فرسنگ راه را در کوه سنگ چین کرده اند. می گویند در زمان پرویز این راه ساخته شده است. از طرف صمیره در دامنه کوه مهله قلعه ای است مشهور که جای شکر اصفهانی بوده (از جمله خادمان خسرو) موسوم به قلعه شکر.

در دامنه کوه (جلگه صمیره) آثار غریب و بناهای عجیب مشاهده می شود از جمله تنگی است مشهور به تنگ بهرام چوبینه در هنگامی که از خسرو پرویز فرار کرده است در آنجا سکنی گرفته (امان الهی، ۱۳۷۰).

آنچه از موسیقی دوران کاسیت ها تا پایان دوران ساسانی به جا مانده است، نکات مهمی از تاریخ موسیقی کهن منطقه را برای ما بیان می کند:

با تحقیقاتی که اینجانب بدست آورده ام رامشگران لرستان یا به بیان محلی لوطی ها (کولی ها) در نگهداری هویت موسیقی منطقه لرستان کوشش های قابل توجهی نموده اند.

به علت پاره ای مسایل تعصبی جامعه از وصلت با آنها پرهیز می نموده و بدینسان اولاد آنها متعدد نمی باشد. اینان مردمی شجاع و سخت کوش و خوراکشان عموماً حیوانات کوهستان همچون گراز بوده است.

تخصص در ساخت آلات چوبی همچون دسته تفنگ، گرز، سیرکوومیرکو(دو وسیله برای کوبیدن شلتوک و برنج)، جای خمیر نان، دهل، سرنا، دایره، کمانچه و ... داشته و دارند. بقایای آنها هنوز در مناطق مختلف همچنان در قید حیاتند. از نظر شکل ظاهری دارای موهای مجعدچشمانی زاغ و قرمز با گویشی فارسی با ته لهجه هندی و با پسوند اسامی راج چون پیرولی راج، قورچعلی راج وغیره همچون راجکاپورو راج اندراکومار در هندوستان.

نام این افراد در بین قبایل لر زبان به کولی یا کاولی به معنای کابلی یا اووسا برده می شود.

ساز مورد توجه درمنطقه تال یا همان کمانچه می باشد. تال همان مویی است که در آرشه استفاده می شود و ساز کمانچه به شکل ته باز مورد استفاده قرار می گیرد البته دلیل آن واضح است چون وسعت صدا دهی آن بسیار بیشتر از مشابه پشت بسته اش است بدین روی درمراسم این نوع ساز بیشتر مورد استفاده قرارمی گیرد. درگذشته گوشی های کمانچه را سوک (suk) و آرشه را موکش می گفتند و از سه سیم استفاده می کردند و با اینکه با علم موسیقی بیگانه بودند ولی بسیار دقیق فواصل چهارم و پنجم را کوک می کردند.

از دیگر سازهای مورد استفاده در آنجا می توان به سرنا، دوزله، دهل تنبور و تمبک اشاره نمود که شرح جز به جز آن در این مقاله نمی گنجد.

موسیقی محلی لرستان

۱- موسیقی و ترانه های غنائی و عاشقانه:

شامل آهنگ ها و ترانه هایی در وصال و فراق معشوق مانند: ترانه های هی لو، بزران، کیو دار ، بینابینا و ...ویا نغمه‌هایی همچون علی دوستی(علی سونه)، عزیزبگی، میر بگی (میرونه)، ساری خوانی، شیرین خسرو و ده ها ترانه دیگر که در مقام های مختلف موسیقی لری اجرا می گردد.

۲- موسیقی و ترانه های حماسی

سرودها و آهنگ هایی که بیانگر ارزش های حماسی و رزمی شخص یا اشخاص جنگاور در میان ایل بوده است. مانند: جنگ لرو، دایه دایه، کرمی و ... و یا مقام های موسیقی بدون کلامی که در رزمگاه و مسابقه به کار رفته است. مانند: شاره را، جنگه را، سوارهو، نقاره و....

۳- موسیقی و ترانه های سوگواری

موسیقی سوگواری بیشتر جنبه آئینی داشته و در مراسم سوگواری از روزگاران کهن تا کنون کاربرد فراوانی دارد. معروف‌ترین مقام های آن [چمری] یا [چمریانه] است. از دیگر مقام‌ها می توان به: سحری، چمری، بوه بوه، شیونی، پاکتلی، کریمخانی، و ده ها مقام دیگر سوگواری اشاره نمود.

٤- موسیقی و ترانه های فصول

موسیقی و ترانه های ویژه فصول مختلف مانند: برزه کوهی، ماله ژیری، کوچ بار و....

برخی محققان و اساتید هنر موسیقی معتقدند: [چون علم موسیقی را از روی کواکب برداشته اند واجب است که به مقتضای طبیعت هر طایفه پرده ای خوانده و یا نواخته شود، که نسبتی به طبیعت آن طایفه داشته باشد...] [۵](کیانی، بی‌تا).

روزگاران قدیم حکما علاج بیماری را با آلات موسیقی انجام می‌دادند: مناسب اوقات شب و روز در خانه بر بالین مریض، ساز را به نوازش در می آوردند. اما برخی دیگر برای اجرای موسیقی به حسب اینکه هر ستاره به کدام مقام نسبت دارد چنین گفته اند:

[بر ارباب نغمات این علم واجب است که بدانند که در هر فصل چه باید خواندن و نواختن که موجب فرح و شادی خلق الله باشد] [۶] (کیانی، بی‌تا).

فصل بهار:(طبیعت گرم و مرطوب) عراق، مخالف، گردانیه، سلمک، شهناز و عجم.

فصل پائیز:(سرد و خشک) عشاق، چهار گاه، بوسیلک، بزرگ و کوچک نیریز، همایون، عزال، حسینی.

یا برخی دیگر از حکما گفته اند:

ماه های فصل بهار:جل، ثور، جوزا، مقام های عشاق، حسینی و راست نواخته شود.

ماه های فصل پائیز: میزان، عقرب، قوس،مقام های بزرگ، صفاهان، عراق نواخته شود.

در موسیقی محلی لری نیز تقسیم بر اساس فصول مشهود است:

ماله ژیری : Malazhiri کوچ به سوی گرمسیر در پائیز، سرازیر شدن، به روایت شادروان امام قلی امامی در ایام دور مقام موسیقی ماله ژیری به هنگام حرکت و کوچ ایل در پاییز به سوی گرمسیر اجراء می گردید.

امام قلی: [درروز آغاز حرکت ایل، غوغای وداع و خداحافظی آنها که می رفتند با آنها که در محل باقی می ماندند تا مبادا آفت روزگار موجب شود دوباره یکدیگر را نبینند] [۷] (ایزدپناه، ۱۳۸۰).

چون در ایام قدیم معمولا کهنسالان رابه علت ناتوانی جسمانی در غار یابنه گنه[۸] قرار می دادند تا بهاران دیدار تازه گردد.

برزه کوهی: Barzakohi به معنی بالای کوه. به روایت شادروان امام قلی امامی معروف به عزیزی که در سرطرهان کوهدشت زندگی می کرد: برزه کوهی آهنگ ویژه بهاران بود و به هنگامی که مردم گله خود را برای علف چر به بالای کوه می بردند.

۵- موسیقی و ترانه های کار:

به منظور سهولت و تسریع کار مردان و زنان ایلاتی به صورت فردی یا دسته جمعی خوانده می شود. مانند: ترانه های گل درو(برزیگری)، هوله(خرمن کوبی)، مشک زنی، شیر دوشی، چوپانی و....

۶- موسیقی و ترانه های طنز:

این ترانه ها اغلب به صورت فی البداهه در هجو شخص یا موضوعی یا مکانی سروده شده و برخی اوقات نیز با حرکات نمایشی و طنزآلود فرد یا افرادی همراه بوده است. مانند: هه نبات، کاسمسا[۹] و ....

۷- سرودهای مذهبی:

این نوع مقام ها بیشتر براساس [کلام] های یارسان سروده‌شده وجنبه عرفانی و اعتقادی آن بسیار عمیق می باشد. مانند: شهربی صدا یا سرای خاموشان، دوازده کلام یاری، ضامن آهو، کلام سیدخان الماس و...

موسیقی و ترانه های غنایی و عاشقانه

این نوع موسیقی در مراسم جشن و سرور به خصوص عروسی ها، ختنه سوران، جشن برداشت گندم و در یک کلام شادمانی ها اجرا می شود. اما توالی و ترتیب اجرای این نوع از موسیقی در فرهنگ مناطق لر و لک نشین اندک تفاوت هایی با

یکدیگر در گذشته داشته است. بنا به گفته معمرین و تعدادی از نوازندگان کهنسال بخش های الشتر، کوهدشت، چگنی، سرطرهان و هنرمندان پیش کسوتی همچون شکرعلی پیرولی ، همتعلی، صفدرقلی، کرم علی، قورچعلی رضایی،کره ولیزاده، میرعباس گل مرادی و مومن علی ضرونی، توالی و ترتیب اجرای موسیقی شادمانه و غنائی در مناطق لک نشین بدین صورت بوده است:

۱- قطار ، ۲- سنگین سماع، ۳- هل پرکه یا هل پرکان، ۴- دوپا، ۵- سه پا، ۶- شانه شکی، ۷- اوشاری

البته این توالی و ترتیب به هنگام اجرای رقص صورت گرفته و در صورت دیدن سواران، مقام های موسیقی رقص قطع شده و وارد مقام های سوارکاری می گشت. مثلا اگر مقام [هل پرکه] در حال اجراء بود با دیدن سواران مقام [نقاره] نواخته می شد ، که ابتدای مقام های موسیقی سوارکاری است. اما توالی و ترتیب موسیقی غنائی در مناطق لر نشین بدین گونه است:

۱-سنگین سماع، ۲- دو پا ۳- سه پا، ۴- شانه شکی

گاه درلابه لای این مقام ها، مقام های دیگری نیز اجرا می شود که شامل نغمه های آهنگین همراه با کلام است:

علی دوستی (علیوسی- علی سونه)، عزیز بگی، شیرین خسرو ، یرونه یا میر بگی، ساری خوانی

از ویژگی های ترانه های عاشقانه خصوصیات اشعار آن است که خاص یک مقام نمی باشد یعنی اگر بیتی را در مقام سنگین سماع خواندیم می توانیم آن را نیز در مقام دو پا، سه پا و یا شانه شکی نیز بخوانیم و اجرا نماییم. مثل این بیت که هم در مقام [سنگین سماع] و هم در [سه پا] خوانده می شود.

خدا خدام بی ژمال بینه در
چارشو عروسی بکیشی و سر

معنی:

[خدا خدایم بود که از منزلگاه (پدر) بیرون بزنی و چادر عروسی را بر سرت بکشی]

البته امروزه موسیقی مناطق لک نشین و لر نشین با توجه به آمیختگی شدید فرهنگ های لک و لر با همدیگر و نیز به علت گذر زمان و فراموشی بسیاری از مقام ها چون قطار، هل پرکه و .... تفاوت اندکی با هم دارند.

نتیجه

با توجه به ابعاد مختلف موسیقی لری می توان آن را از دیدگاه‌های مختلف بررسی و تقسیم بندی نمود. از آنجایی که هدف از ارائه این مقاله [آشنایی باموسیقی لرستان] بوده، تقسیم آن را از دیدگاه محتوایی وموضوعی مد نظر قرارداده تابه مقصوداصلی نزدیک تر شویم. هر چند علاقمندان به این موضوع واقفند که موسیقی هر منطقه را می توان از دیدگاه های مختلف تکنیک و فرم، مردم شناسی و ... بررسی کرده و تقسیم بندی نمود.

مطابق یک الگو، تئوری علمی می تواند دیدگاه و چشم اندازی هر چند کوتاه را از یک موضوع به خواننده القا نماید هر چند مراحل عملی هم برای استفاده از این اطلاعات وجود دارد. این مقاله، انتخاب و نظم ترانه ها، حرکت آن از یک مقام به مقام دیگر و روش آرایه بندی و بسط ملودی های آن مرزوبوم را بیان می کند.

هر چند بعد از بررسی همه این مراحل باید پذیرفته شود که نوازنده بواسطه آنها محدودنمی شود. چرا که در موسیقی محلی عوامل اساسی در یک اجراء، احساس نوازنده و شنوندگانش است. در زمان حقیقی، اجراء کننده مراحلی را که هدایتگر اوست محاسبه می نماید. او سطحی از آگاهی را اجرا می نماید که ریشه درلابلای فرهنگ آن قوم دارد. گاهاً نیز طی اجراء، حالتی شبیه خلسه بر او عارض می شود. در این حالت نوازنده طبق تئوری علمی نمی نوازد، بلکه اجرای او کاملا حسی است. و آنجاست که پی به ذات و اصالت فرهنگ قومیت های مختلف این مرز و بوم خواهیم برد، باشد که انشاا.. در جهت شناخت و شکافت تمام شاخه های پربار اقوام ایران زمین گام برداریم.

پی‌نوشت‌ها:

۱ شایان ذکر است که هنوز هم در میان مردمان لر به رقص دسته جمعی [دس گرته] به معنی دست گرفتن می گویند که معادل همان واژه [بازی] bazi و [بازنه] bazena در گویش لکی می باشد.

ذکاء، یحیی، [رقص در ایران پیش از تاریخ] موسیقی، دوره ۳ ، (مرداد- شهریور ۱۳۴۲)، صص ۴۲- ۵۰.

۲ بهمنی (جواد) نویسندهء هنگامهء تاریخ، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی، تاثیر نوای موسیقی های لری در جنگ ها، ص ۱۴.

۳ اسپهانی (حمزه) سنی ملوک الارض و الانبیاء- ۳۵۰ هجری قمری.

۴ رومشکان: جلگه ای در جنوب شهرستان کوهدشت عده ای آنرا محل شکست سپاه روم (روم+اشکن) دانسته و برخی محل تجمع رامشگران در دوره بهرام گور می دانند.
برگرفته از (امان الهی بهاروند(سکندر)، جغرافیای لرستان :پیشکوه وپشتکوه چاپ خرم آباد(۱۳۷۰ شمسی).

۵ کیانی (مجید) موسیقی مقامی تا ردیف (گفتاری پیرامون ارتباط بین موسیقی نواحی مختلف ایران با موسیقی دستگاهی امروز) کیهان، صفحه ادب و هنر، شماره ۱۴۷۲۷.

۶ کیانی (مجید) موسیقی مقامی تا ردیف (گفتاری پیرامون ارتباط بین موسیقی نواحی مختلف ایران با موسیقی دستگاهی امروز) کیهان، صفحه ادب و هنر، شماره ۱۴۷۲۷.

۷ ایزدپناه(حمید) فرهنگ لری و لکی ، انتشارات اساطیر ویرایش ۳ - تهران (۱۳۸۰).

۸ بنه گه Benakahe محل اطراق در سردسیر.

۹ کاسمسا : (kasemsa) کاسهء همسایه ، تحفه یا خوراکی که از سوی همسایه به همسایه دیگر داده می شود .ضرب المثل لری نیز رایج است که می گویند کاسمسا دهر دو لا kasemsa de har do la کاسه همسایه از هر دو طرف(همسایگان).

فهرست منابع:

اسپهانی، حمزه (۳۵۰ ه.ق.)، سنی ملوک الارض و انبیاء.
امان الهی بهاروند، سکندر(۱۳۷۰)، جغرافیای لرستان: پیشکوه و پشتکوه، چاپ خرم آباد.
امان الهی بهاروند، سکندر(۱۳۵۶)، موسیقی در فرهنگ لرستان، به ویراستاری بهروز وجدانی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور(۸ آبان ۱۳۸۴) و دانشگاه شیراز(۱۳۵۶).
ایزدپناه، حمید(۱۳۸۰)، فرهنگ لری و لکی ، ویرایش ۳ ، انتشارات اساطیر، تهران.
بهمنی، جواد (۱۳۵۷)، نویسنده هنگامه تاریخ، تأثیر نوای موسیقی های لری در جنگ ها، نشر عماد، تهران.
ذکاء، یحیی (۱۳۴۲)، رقص در ایران پیش از تاریخ موسیقی، دوره ۳، (مرداد و شهریور)، صص ۵۰-۴۲.
کریستین سن، آرتور(۱۳۸۶)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: رشید یاسمی، نشر نگاه (۱۸ فروردین ۸۷)، انتشارات معاصر، تهران.
کیانی، مجید(بی‌تا)، موسیقی مقامی تا ردیف (گفتاری پیرامون ارتباط بین موسیقی نواحی مختلف ایران با موسیقی دستگاهی امروز) ، کیهان، صفحه ادب و هنر، شماره ۱۴۷۲۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی